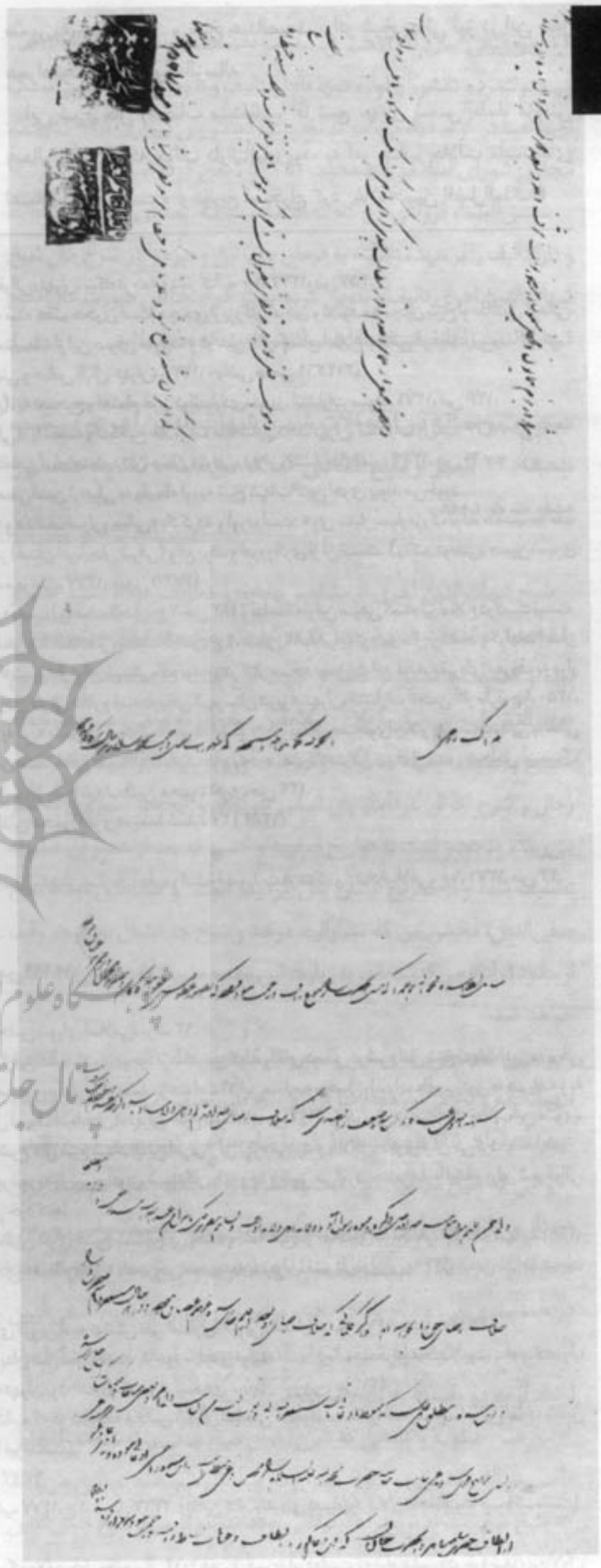


توبه نامه باب و شایعات پیرامون آن

احسان الله شکر اللهی طالقانی

در شماره نخست سال نوزدهم نشریه ارزشمند نشر دانش (بهار ۱۳۸۱) مقاله‌ای با عنوان: «ماجرای اسناد مشروطه و توبه نامه باب» منتشر شد که در آن حاصل کاوش و پژوهش آقای دکتر سیروس پرهام راجع به گم شدن و پیدا شدن چهار سند مهم تاریخی ایران یعنی: فرمان مشروطیت، قانون اساسی، متمم قانون اساسی و توبه نامه باب درج گردیده است. ایشان به منظور تألیف این مقاله حداقل دو مرتبه با جناب استاد عبدالحسین حائری مذاکره تلفنی نمودند، اما آنچه در خصوص توبه نامه به رشته تحریر درآورده‌اند با فرموده‌های استاد حائری و منابع تاریخی تفاوت‌هایی داشت که در شماره بعدی نشر دانش (تابستان ۱۳۸۱) جناب آقای دکتر علی اشرف صادقی طی یادداشتی برخی از این تفاوت‌ها را نمایانده و تا حدی از اصالت توبه نامه معروف دفاع نمودند. از آنجا که نگارنده در زمان هر دو تماس جناب آقای پرهام در محضر استاد حائری حضور داشته و مطالب مربوط به توبه نامه را که از پیش نیز پیرامون آن مطالعاتی داشتم، می‌شنیدم، و از طرفی توضیح آقای دکتر صادقی را در دفاع از اصالت توبه نامه کافی ندیدم، در صدد برآمدم تا ضمن بازنمایی بیشتر مسأله اصالت توبه نامه، روایت دقیق‌تری از ماجرای شایع شدن سرقت آن و تلاش استاد حائری در کشف حقیقت را برای استفاده پژوهشگران موضوع بایبه و بهائیه به رشته تحریر درآورم، و در ضمن قرائت استاد حائری از متن توبه نامه را که به خط شکسته بی‌نقطه علی محمد شیرازی نگارش یافته، به اطلاع علاقمندان برسانم؛ چرا که برخی محققین در بازخوانی این سند مهم تاریخی دچار سهوهای شده‌اند. شاید بهتر این بود که مقاله حاضر در همان گرامی نامه نشر دانش منتشر می‌شد، اما پس از یکسال و اندی انتظار، شکیبایی بیشتر را صلاح ندانستم و اینک آن را پس از آخرین اصلاحات جناب استاد حائری، در ویژه نامه «پیام بهارستان» به حضور علاقمندان عرضه می‌دارم.



مختصری از آغاز و انجام کار باب

فرقه بابیه که با ادعای نیابت حضرت حجت (عج) از سوی شاگرد ناخلف مکتب شیخیه، یعنی علی محمد شیرازی معروف به باب آغاز شده و با ادعاهای بزرگتر مهدویت، رسالت، و عرضه کتاب آسمانی ادامه پیدا کرده بود، به دلیل شرایط خاص اجتماعی حاکم بر جامعه ایران آن روز و حمایت برخی کشورها از جمله انگلیس، روس و عثمانی^۱ طرفدارانی پیدا کرد که مشکلات و مزاحمت‌هایی را برای مردم و حکومت‌های وقت (محمد شاه و ناصرالدین شاه) به وجود آورد. به همین دلیل این پدر و پسر به دستگیری وزیران خود - حاج میرزا آقاسی و امیرکبیر - زمینه‌ای را فراهم ساختند که ابتدا در شهر تبریز در حضور ولیعهد (ناصرالدین میرزا) بین علی محمد شیرازی و علمای آن سامان مناظره‌ای انجام شود تا همگان بر بی‌اساسی ادعاهای باب پی برند و آنگاه وی را پس از مدتی حبس و تأدیب و مکتوب کردن اظهار ندامت و توبه در روز دوشنبه ۲۷ شعبان سال ۱۲۶۵ هـ. ق. در میدان مشق سربازخانه تبریز، تیرباران کنند.^۲

ماجرای این مناظره تاریخی در کتاب‌های فراوانی اعم از کتب تاریخ اهالی باب و بهاء و آثار سایر تاریخ‌نویسان عهد قاجار و پس از آن، با اندک تفاوت آمده است. از جمله این آثار که به ترتیب تاریخ انتشار مرتب شده‌اند عبارتند از:

نقطه الکاف فی تاریخ البابیه، منسوب به حاجی میرزا چانی کاشانی، تصحیح ادوارد براون، لیدن: بریل، ۱۹۱۰م (= ۱۲۸۹ش) ص ۱۳۳.
الکواکب الدرّیه فی مآثر البهائیه، عبدالحسین آواره، ۱۳۴۲ق = ۱۳۱۱ش. ص ۲۲۲.

The down-breakers' Nabil's narrative of the early day of Baha'i' revelation Translated by shoghi Effende

New York, Baha'i, pub. Committee [1932 = ۱۳۱۱هـ]

God passes by, introd, by Georg townshend,

wilmette, Ill., Bahai pub. Committee, 1944 (ش ۱۳۲۳هـ)

باب و بهاء را بشناسید، نگاشته فتح‌الله مفتون یزدی، حیدرآباد دکن [۱۳۷۱ق = ۱۳۳۱ش] ص ۶۳، (مرجع لغت‌نامه دهخدا برای درج تصویر توبه‌نامه در مقاله مربوط به باب همین اثر بوده است)

پیام پدر، از صبحی: فضل‌الله مهتدی. تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴.

بهائیکری، احمد کسروی، تهران: مرد امروز: ۱۳۳۵، ص ۳۱.

کشف الحیل، عبدالحسینی آیتی (آواره، مبلغ سابق بهایی که پس از بازگشت عنوان آیتی را به جای آواره برای خود برگزید). ج ۲، ص ۸۸.

فلسفه نیکو، حسن نیکو، تهران فراهانی، ۱۳۴۳، ص ۱۵۳.

بحائیت گمراه را بشناسید (چاپ چهارم کتاب «وسیله سعادت یا

احکام بهائیت». تألیف عبدالکریم ملک تهران: شرکتهای بازرگانی بین‌المللی لا (قانون) ۱۳۴۷. (این کتاب تنها منبعی است که در آن کلمه بهائیت با حرف «ح» نوشته شده است.)

بهائیان، سید محمدباقر نجفی. تهران: طهوری، ۱۳۵۷، ص ۲۱۹.

بهائیت به روایت تاریخ، بهرام افراسیابی، تهران، نشر پرستش، ۱۳۶۶، ص ۸۸.

گفت و شنود سید علی محمد باب با روحانیون تبریز، تألیف میرزا محمدتقی مامقانی، به اهتمام حسن مرسلوند، تهران، نشر تاریخ تهران، ۱۳۷۴.

ماجرای باب و بهاء، مصطفی حسینی طباطبایی، تهران: روزنه، ۱۳۷۹.

بهائیت در ایران، سعید زاهد زاهدانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷.

همچنین در بخش سوم کتاب «ظهورالحق» تألیف فاضل مازندرانی که تاریخ انتشار ندارد اما از منابع نخستین بهائیان است، به این مناظره تاریخی برمی‌خوریم.^۳

براساس این منابع و سایر منابع. از جمله کشف‌الغطای میرزا ابوالفضل گلپایگانی و اثر انگلیسی ادوارد براون با عنوان Materials for study of Babi Religion که منبع مورد استناد سایر آثار در این زمینه بوده‌اند اما خودم هنوز آنها رؤیت نکرده‌ام. برگزاری جلسه مناظره بین علمای تبریز و سید علی محمد شیرازی از مسلمات است. اما در برخی منابع بهایی که توسط مبلغان و سران آن فرقه تألیف، ترجمه یا بازنویسی شده، تحریف تاریخی صورت گرفته و جزئیات مناظره به گونه‌ای دیگر گزارش شده است. مهمترین تحریف این که برخی منابع اصلاً اشاره‌ای به توبه‌نامه باب و بازگشتش از دعوی باییت و سایر ادعاها ننموده‌اند. اما خوشبختانه در بسیاری از منابع اولیه خود بهائیان توبه‌نامه چاپ شده است. از جمله منابعی که متن یا تصویر توبه‌نامه و پاسخ علمای تبریز را منتشر ساخته‌اند از میان منابع پیش گفته کتاب‌های: باب و بهاء را بشناسید، بهائیکری، کشف الحیل، فلسفه نیکو، بهائیت گمراه را بشناسید، بهائیان، بهائیت به روایت تاریخ، بهائیان در ایران، و نیز کتاب ذیل قابل ذکر است.

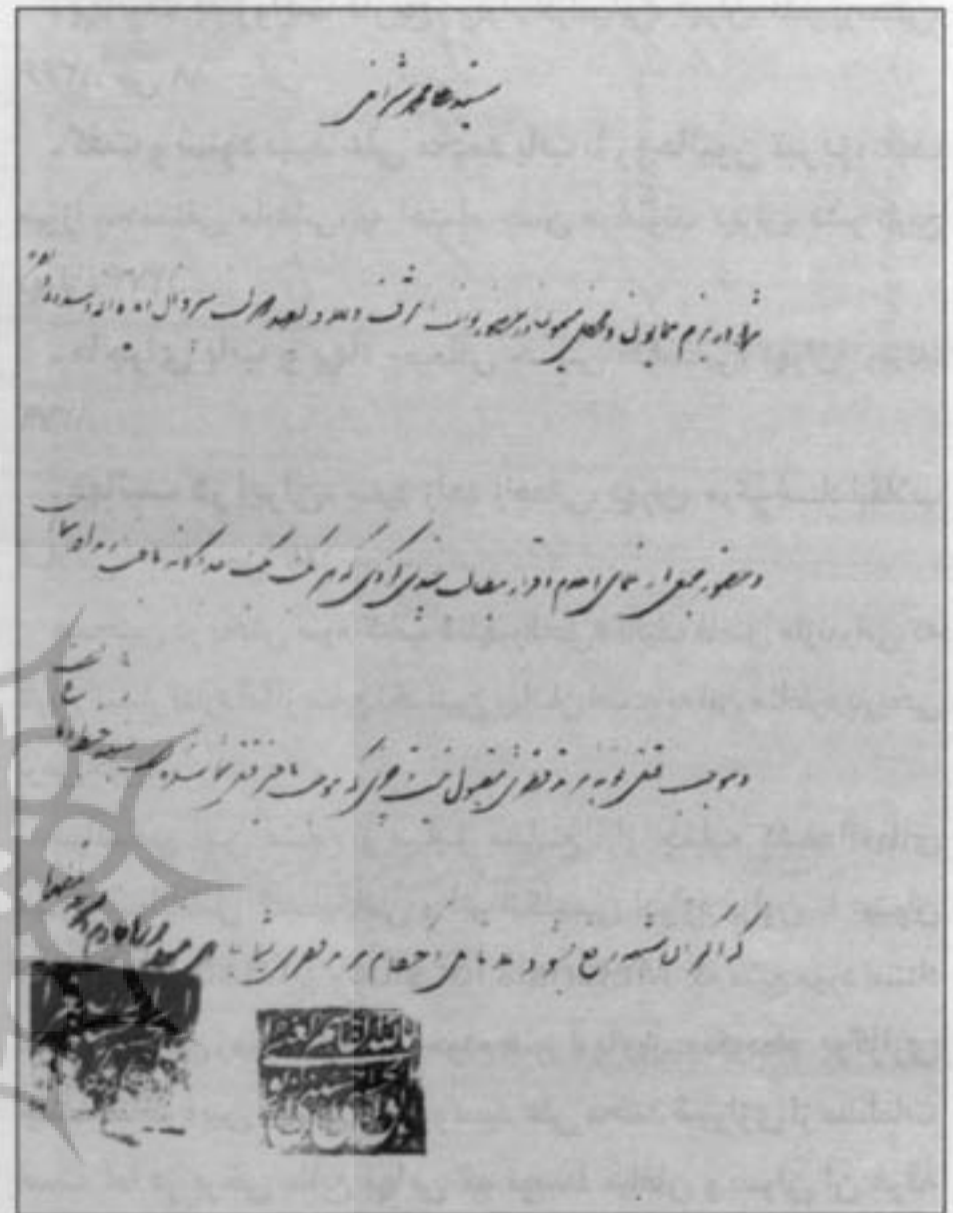
Qu'est le successeur du Bab]Par[A-L-M. Nicolas.-

Paris, Libr. d'Amérique et d'orient, 1933 (= ۱۳۱۲ش)

از منابع خود بهائیان که توبه‌نامه را منتشر ساخته‌اند کشف‌الغطای ابوالفضل گلپایگانی و ظهورالحق فاضل مازندرانی جزو مهمترینند. در کتاب پیش گفته ادوارد براون نیز عین توبه‌نامه منتشر گردیده است.

همان گونه که در آخرین اثر تألیفی در زمینه بهائیت یعنی کتاب «بهائیت

در ایران» بدان اشاره شده و استاد حائری نیز پیش از آن بارها بر این نکته ظریف و مهم توجه و تأکید ورزیده‌اند، پاسخ علمای تبریز در صدر همان برگه توبه‌نامه نوشته شده، نه برگه‌ای جداگانه. آن هم با عبارتی خطابی حاکی از اظهار تردید در پذیرش توبه:



امضای علمای تبریز (علی اصغر حسنی حسینی و ابوالقاسم حسنی حسینی) ذیل پاسخی که در صدر همان توبه‌نامه نگاشته شده، و آن گاه ارسال این توبه‌نامه به ضمیمه گزارش ناصرالدین میرزا به محمد شاه که در همه تواریخ معتبر منعکس گردیده،

گویای صحت و اصالت توبه‌نامه معروف باب است، به ویژه که فرد دقیق و حساسی چون استاد حائری که بیش از نیم قرن با انواع اسناد و منابع خطی سر و کار داشته‌اند نیز پس از سه مرحله

بازدید دقیق به استناد حاشیه آن بر اصالت توبه‌نامه صحه می‌گذارند. آیا با وجود چنین شواهد گویایی دیگر جایی برای طرح معمایی این چنین از سوی جناب آقای پرهام باقی می‌ماند، که ایشان با تأکید بر عبارت «التزام یا به مهر» مرقوم داشته‌اند: «مشکل این است که ناصرالدین میرزا ولیعهد در عریضه خود به محمد شاه به صراحت نوشته: «چون مجلس گفت و گو تمام شد جناب شیخ الاسلام را احضار کرده و باب را چوب زده و تنبیه معقول نموده و توبه و بازگشت و از غلط‌های خود انابه و استغفار کرد و التزام یا به مهر هم سپرده که دیگر از این غلط‌ها نکند».

التزام یا به مهر اصطلاحی است به معنی التزام موکد و مکتوب، نه الزام مهور و موشح. آیا عاقلانه است که ناصرالدین میرزا (یا بنا بر نظر ادوارد براون امیر اصلان خان (دایی ولیعهد) به ضمیمه گزارشی که برای پادشاه می‌فرستد، سند مجعولی را ارسال نماید که با محتوای گزارش وی همخوانی نداشته باشد؟ مسلماً خیر. ضمن آنکه انشا و دستخط آشنا و شناخته شده علی محمد شیرازی که قابل انطباق با همه مکتوبات، هیاکل، و الواح اوست نیز به تنهایی مشککین را پاسخی است در خور؛ و نتیجه خط‌شناسی نیز چیزی جز اثبات اصالت این سند نخواهد بود. پس توبه‌نامه همان است که در منابع مذکور، متن و تصویر آن منتشر گردیده، و ما اینک تصویر توبه‌نامه و پاسخ علمای تبریز را که برای نخستین بار توسط استاد حائری به صورت واقعی (متن و حاشیه) تهیه گردیده در ابعاد کوچکتر می‌آوریم و نیز متن توبه‌نامه را به قرائت استاد حائری باز می‌خوانیم و در انتها نیز شایع شدن سرقت توبه‌نامه و تلاش استاد حائری برای کشف حقیقت را از زبان ایشان می‌شنویم.

متن توبه‌نامه سید علی محمد باب به قرائت استاد حائری
 «فِداک رُوحی. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحَقُّهُ كَه ظُهُورَاتِ فَضْلِ وَ رَحْمَتِ خُودِ رَا دَرِ هَرِ خَالِ بَرِ كَافِهْ عِبَادِ خُودِ شَامِلِ گِرْدَانِیْدِه، فَحَمْدًا لَهْ تُم حَمْدًا كَه مَثَلِ آن حَضْرَتِ رَا یَنْبُوعِ رَافَتْ وَ رَحْمَتِ خُودِ فَرْمُودِه كَه بَه ظُهُورِ

«سید علی محمد شیرازی! شما در بزم همایون و محفل میمون در حضور نواب اشرف والا، ولیعهد دولت بی‌زوال ایده‌الله و سده و نصره، و حضور جمعی از علمای اعلام، اقرار به مطالب چندی کردی که هریک یک جداگانه باعث ارتداد شماسست و موجب قتل، توبه مرتد فطری مقبول نیست و چیزی که موجب تأخیر قتل شما شده است، شبهه خبط دماغ است، که اگر آن شبهه رفع شود، بلا تأمل احکام مرتد فطری به شما جاری می‌شود.»
 حال جای شگفتی است با یک چنین قرینه قوی و این میزان پشتوانه انتشار سند مهمی چون توبه‌نامه علی محمد شیرازی، جناب دکتر پرهام با برداشتی ناصواب از گفته استاد حائری مبنی بر «عدم وجود مهر و امضای علی محمد باب پای نوشته خود». که معمول همه نوشته‌های وی بود... در مقاله آورده‌اند: «آقای حائری اطمینان دارند که توبه‌نامه مورد بحث هیچ‌گونه مهر و امضایی ندارد»؛ و بعد نتیجه می‌گیرند: «بعد تازه‌ای بر ابعاد معما افزوده شده... و این گمان در پیش است که نسخه موجود چه بسا نسخه اصلی نباشد و احتمالاً نسخه پیش‌نویس باشد». در صورتی که مهر و

عظوفتش عفو از بندگان و ستر بر مجرمان و ترحم بر اعیان فرموده. اشهدالله و من عبده که این بنده ضعیف را قصدی نیست که خلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد. اگر چه بنفسه وجودم ذنب صرف است ولی چون قلبم موقن بتوحید خداوند جل ذکرة و بنبوه رسول او (ص) و ولایه اوست و لسانم مقرر بر کُلّ ما نزل من عندالله است، امید رحمت او را دارم و مطلقاً خلاف رضای حق را نخواسته‌ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بوده از قلم جاری شد غرضم عصیان نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را. و این بنده را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد، استغفرالله ربّی و اتوب الیه من ان ینسب الی أمری. و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده، دلیل بر هیچ امری نیست و مدعی نیابت خاصه حضرت حجت‌الله علیه‌السلام را محض ادعی مبطل است و این بنده را چنین ادعایی نبوده و نه ادعای دیگر. مستدعی از الطاف حضرت شاهنشاهی و آن حضرت چنان است که این دعاگو را به الطاف و عنایات بساط رأفت و رحمت خود سرفراز نمایند. والسلام.»

شایعه ربوده شدن توبه‌نامه باب به روایت استاد حائری

در یک مقطع زمانی (اواسط دهه پنجاه) شایعه‌ای رواج پیدا کرد مبنی بر این که توبه‌نامه باب از کتابخانه مجلس به سرقت رفته است و متأسفانه اظهار نظر مرحوم استاد محیط طباطبایی در نشر این خبر بدون شک بی‌تأثیر نبود، و احتمالاً ماجرای که در کتابخانه اتفاق افتاده بود این گمان را در ایشان تقویت کرد. ماجرا از این قرار بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ و سقوط دولت مرحوم مصدق، مرحوم سید ابوالحسن حائری زاده نماینده مشهور مجلس و از طرفداران اولیه دکتر مصدق کتابخانه خود را که تعدادی نسخه خطی از جمله نسخه بزرگ «بیان»^۵ در آن بود به کتابخانه مجلس اهدا کرد و این کتابهای اهدایی را آقای ناصر شریفی که به جای آقای تقی تفضلی به عنوان معاون موقت کتابخانه انجام وظیفه می‌کرد تحویل گرفته بود. پس از چند سال ناصر شریفی (اکنون دکتر ناصر شریفی) که همسری دارای سابقه ارتباط با بهایی‌ها داشت ایران را ترک گفت و در کشوی میز کارش نسخه بیان مزبور به صورت ثبت نشده پیدا شد. با این که به هیچ وجه سوء تصرفی از سوی او صورت نگرفته بود، این مسأله سوءظن‌هایی را راجع به وی و کتب و اسناد بهایی کتابخانه مجلس ایجاد کرد. از جمله مرحوم محیط که مرتب به کتابخانه تردد داشت و شدیداً به موضوع باب و بهای و اسناد و منابع مربوط به آن حساس بود و مقالات او را در نشریات می‌خواندند، و از طرفی محققى بود که بسیاری صدای او را که از رادیو پخش می‌شد می‌شنیدند، اصرار داشت که توبه‌نامه داخل قابی در تالار مطالعه کتابخانه آویخته بود و مدتی است آن را جابجا کرده‌اند و در جای خودش نیست.^۶ من چند بار با ایشان صحبت کرده و محیط در ایران نبود و یادآور شدم از سال

۱۳۳۰ که به تهران و کتابخانه مجلس آمدم چنین چیزی ندیدم؛ در آن وقت هم آقای محیط در ایران نبود به عنوان وابسته فرهنگی در خارج از کشور خدمت می‌کرد. به هر تقدیر گفته‌های ایشان کار خودش را کرد و شایعه سرقت توبه‌نامه قوت گرفت تا اینکه در اواخر سال ۱۳۵۶ در نشریه نامه انجمن کتابداران ایران^۷، این موضوع به صورت علنی نوشته و منتشر شد. بعد از آن من به این فکر افتادم که هر طور شده توبه‌نامه را پیدا کنم. خوشبختانه در همان ایام یکی از کارمندان قدیمی مجلس با من تلفنی تماس گرفت و گفت در داخل صندوق اماناتی که در کارپردازی مجلس است اسناد مهمی وجود دارد و به احتمال زیاد توبه‌نامه باب هم در آن صندوق است. علی‌رغم جو حمایتگرانه‌ای که نسبت به فرقه بهایی در مملکت وجود داشت، من از مهندس عبدالله ریاضی، رئیس وقت مجلس، مجوز گرفتم که آن صندوق را بازبینی کنم، و برای آن که این بازبینی حساسیتی ایجاد نکند بنا شد علت بازدید، تهیه عکس از اسناد مهم عنوان شود و دسترسی و تصویربرداری از توبه‌نامه به همین رو عنوان نشود.

با توجه به آن که مقرر بود صندوق مزبور در حضور دو نفر کارپرداز و تنها مدیرکل حسابداری مجلس باز شود، سه روز تمام آن افراد حضور داشتند و ناظر بودند و من محتویات آن صندوق از جمله متمم قانون اساسی به خط قوام السلطنه و پاکتی در بسته امانت دکتر بقایی محتوی اسرار قتل افشار طوس، رئیس شهربانی دولت مصدق، را با مطابقت لیستی که از آن اسناد در خود صندوق وجود داشت بازبینی نمودم و در ته صندوق هم توبه‌نامه را پیدا کردم؛ داخل جعبه‌ای که روی آن یادداشتی به دستخط ارباب کیخسرو^۸ دیده می‌شد که شرح چگونگی انتقال این سند به مجلس در آن برگه نوشته شده بود.

من موفق شدم در آن بازدید از توبه‌نامه عکسی تهیه کنم که هم‌اکنون در نمایشگاه بخش خطی کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. توبه‌نامه همانی بود که پیش از این بارها متن و تصویر آن منتشر شده بود. به علاوه نوشته نظام‌الاسلام و عالم بزرگ دیگر خطاب به باب که هر گونه تردید را در این باب از بین می‌برد، اما افسوس که از تهیه عکس دستخط ارباب کیخسرو غفلت کردم. البته همان تصویر توبه‌نامه هم بسیاری از نمایندگان را به هیجان آورده بود که آنها هم بیایند از آن تصویری تهیه کنند؛ همین مسأله باعث شد ریاضی مانع ادامه عکس‌برداری از اسناد شود. علاوه بر بازدید مذکور دو بار هم پس از انقلاب شرایطی فراهم شد که بتوانم تمامی آن صندوق را بازبینی کنم و برای بار دوم و سوم توبه‌نامه باب را در صندوق کارپردازی مجلس ببینم.

ماجرای بازدید دوم: پس از انقلاب، در محل سابق مجلس شورای ملی که پس از انقلاب اسلامی در اختیار کمیته مرکزی و آیه‌الله کدکنی رئیس محترم کمیته قرار گرفته بود، یکی از صندوق‌های کارپردازی را که

محتوی اسناد بود با در باز در آن جا یافتند. مسئولین (آقای حسن محجوب و دستیاران) از من دعوت کردند که به عنوان کسی که قبلاً یک بار صندوق مزبور را به دقت دیده بودم بار دیگر آن را بازبینی کنم. چون صندوق به صورت غیر قانونی اما بدون زور و فشار یعنی با کلید باز شده بود و مسئولین می خواستند بدانند چه تصرفی شده و چه چیزی از صندوق گم شده است. من یک بار دیگر ضمن مطابقت با لیست موجود در صندوق اما این بار با دقت بیشتر صندوق را بازبینی کردم، همه اسناد سر جای خودش بود و معلوم شد فردی که به سراغ صندوق آمده فقط چند مدالیوم زری یافت و قلم مطلقاً را با خود برده و به اسناد و مدارک اصلی دست نزده است. البته آن مدالها و قلم هم جنبه تاریخی داشتند، اما اهمیت اسناد به مراتب بیشتر بود. گویا بازکننده صندوق قصد داشت به صندوق دیگری که حاوی مسکوکات طلا بود و در کنار همین صندوق نگهداری می شد دستبرد بزند که نتوانسته بود و خلاصه دزد ناشی به کاهدان زده بود.

سومین بازدید من از صندوق کاربردازی چهار یا پنج سال پس از بازدید دوم اتفاق افتاد و آن بعد از اتمام دوره نخست مجلس شورای اسلامی بود که آقای کتیرایی کاربرداز برای تحویل سمت خود صلاح را در این دانسته بود که صندوق کاربردازی را هم با صورت جلسه و در حضور افرادی که آن را قبلاً دیده اند تحویل مجلس دوم دهد.

طی مرحله نخست بازدید صندوق ملاحظه گردید علاوه بر اسنادی از قبیل وصیت نامه در بسته دکتر بقایی که در آن راجع به قتل افشارطوس - رئیس شهربانی دولت دکتر مصدق و طرفدار او مطالب مهمی نوشته و روی پاکت قید کرده بود پس از مرگ من باز شود - فرامین و اسناد بسیاری از قاجاریه که کتابخانه اقدام به خرید آنها کرده بود نیز دیده شد. من از آن کاربرداز و مدیر کل مجلس آقای عنقا پرسیدیم که این اسناد چرا اینجاست؟ پاسخ داده شد که پرداخت هزینه ها و تنظیم اسناد مالی آن باقی مانده به محض انجام این کار آنها را به کتابخانه می فرستیم، که البته نفرستادند.

گویا قبل از این که ریاست کتابخانه بر عهده بنده گذارده شود چند سالی بود که بر طبق دستور رئیس مجلس کتابهای خطی و اسنادی که خریداری می شد ابتدا به کاربردازی می رفت و پس از خریداری تحویل کتابخانه می شد. در سال ۵۹ یا ۶۰ سه کاربرداز مجلس تصویب کردند که صندوق مورد بحث به کتابخانه منتقل شود، اما این تصمیم عملی نشد و من از این بابت خوشحال شدم، چون در کاربردازی مجلس اسناد صندوق از آسیب برخی مراجعات محفوظ می ماند. قرائن هم چنین چیزی را نشان می داد. چون به خاطر توبه نامه باب مرتب می آمدند کتابخانه و سراغ آن را می گرفتند. خلاصه کسی صندوق را تحویل کتابخانه نداد یک روز راجع به اسناد آن صندوق از مرحوم سیدزاده که در آن وقت کاربرداز فرهنگی بود سوال کردم.

ایشان هم به کشوی میزش یا صندوق کنار میزش اشاره کرد و گفت همه اینجاست. البته من از آن مرحوم نخواستیم که اسناد را رویت کنیم. بعدها موسویان اولین رئیس سازمان اداری مجلس از من خواست که بایگانی را کد مجلس را تفکیک کنم تا اسناد سیاسی و تاریخی آن را به کتابخانه و اسناد مالی و اداری آن به سازمان اداری فرستاده شود. من پیشنهاد ایشان را نپذیرفتم و طی نامه ای نوشتیم که همه آن اسناد سیاسی و تاریخی هستند و نباید تفکیک شوند. سپس از عده ای از کارشناسان سازمان اسناد ملی هم دعوت شد تا بیایند و روی این اسناد نظر بدهند. همه آن کارشناسان تأیید کردند که تمام اسناد، حتی رسید صرف غذا از طرف نمایندگان، اسناد تاریخی هستند و لازم است آرشیو شوند.

تکرار شایعه سرقت توبه نامه در سایر منابع بعد از انقلاب

بعد از بازدیدهای سه گاه که شرح آنها گذشت آقای سید محمدباقر نجفی مؤلف کتاب بهائیان. در زمانی که مشغول تألیف کتاب «شاهنامه های ایران» بود به دیدارم آمد و من به ایشان که گویا در سال ۱۳۵۳ تلاش کرده بود توبه نامه را ببیند و موفق نشده بود و به خیل معتقدان به سرقت توبه نامه پیوسته بود، توضیح دادم توبه نامه به سرقت نرفته و موجود است و این که شما در کتاب بهائیان نوشتید تکرار اشتباهی است که دیگران هم مرتکب شده اند. توضیحات من آقای نجفی را قانع کرد و ایشان بعدها تلاش کرد به نوعی اشتباه خود را جبران کند و از من خواست که چیزی در این باره بنویسم تا در تمام اروپا منتشر سازد. اما من به ملاحظاتی اجابت نکردم. بعدها هم وقتی آقای بهرام افراسیابی کتاب «بهائیت به روایت تاریخ» را می نوشت برای مشورت نزد من آمد و متأسفانه علی رغم توضیح و تذکر بنده، در آن کتاب هم مسأله ناپدید شدن توبه نامه به غلط نوشته و منتشر شد.

یادداشت استاد حائری خطاب به آقای افراسیابی

توضیح درباره توبه نامه: جناب آقای افراسیابی با سلام کتاب تاریخ جامع بهائیت تألیف بسیار مفید جنابعالی را مطالعه کردم و بهره بردم. درباره توبه نامه باب که اشاره به نابود شدن آن از کتابخانه ی مجلس به نقل از استاد محیط طباطبائی. شده بود یادآوری می شود که این سند هیچگاه در کتابخانه نگهداری نمی شده و همواره در جعبه ای مخصوص در صندوق کاربردازی مجلس حفظ می شود و روی جعبه آن یادداشتی است به خط ارباب کیخسرو درباره ی انتقال آن به کاربردازی مجلس کتابخانه از این سند عکسی تهیه کرده که اکنون در کتابخانه موجود است. امید است در تألیف و نشر آثار سودمند موفق باشید.

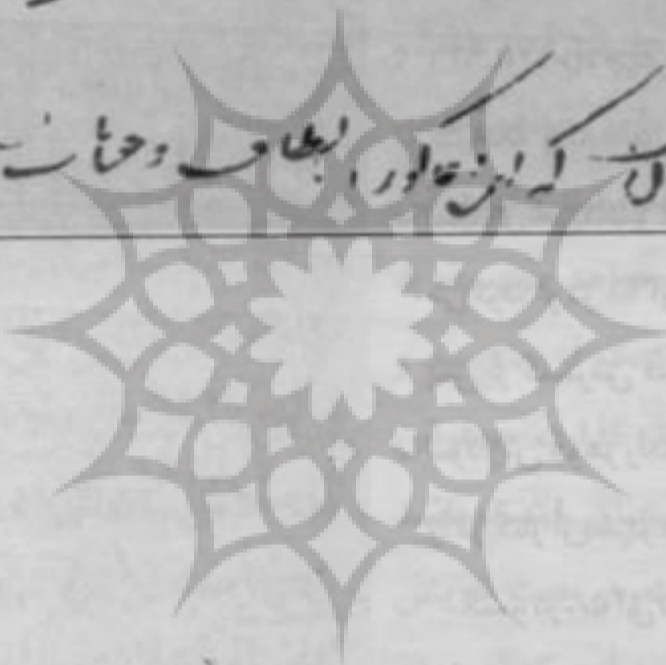
عبدالحسین حائری

۶۹/۹/۱۰

صلوات بر صاحبزاده ام که در کتاب این دست خطها در باره حضرت علی بن ابی طالب
در باره حضرت علی بن ابی طالب که توسط مادرش سیده سحر بنی هاشم در باره حضرت علی بن ابی طالب

در باره حضرت علی بن ابی طالب که توسط مادرش سیده سحر بنی هاشم در باره حضرت علی بن ابی طالب
در باره حضرت علی بن ابی طالب که توسط مادرش سیده سحر بنی هاشم در باره حضرت علی بن ابی طالب

اطلاعات حضرت سید علی محمد شیرازی سه نگارش موجود است: بزرگ، متوسط و کوچک. مرحوم محیط طباطبایی طی سلسله مقالاتی که در خصوص کتاب‌شناسی آثار باب و بهاء تألیف نموده
است.



۱. این مقاله در سومین آئین بزرگداشت حامیان نسخ خطی (آبان ۱۳۸۱) که هر ساله از سوی کتابخانه مجلس برگزار می‌گردد شایسته تقدیر شناخته شد.
۲. رجوع شود به: محیط طباطبایی، «گفت‌وگویی تازه درباره تاریخ قدیم و جدید»، گوهر، سال چهارم، شماره ۴ (تیر ماه ۱۳۵۵) شماره مسلسل ۴۰، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.
۳. «بهائیت در ایران» سعید زاهد زاهدانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷.
۴. برخی افراد کتاب خاطرات یا سفرنامه پرنس دالگورکی را از نخستین آثاری می‌دانند که در خصوص باب و بهاء نگارش یافته اما نگارنده موفق به رویت این اثر یا اشاره به آن در سایر منابع نگردیده است.
۵. از کتاب بیان سید علی محمد شیرازی سه نگارش موجود است: بزرگ، متوسط و کوچک. مرحوم محیط طباطبایی طی سلسله مقالاتی که در خصوص کتاب‌شناسی آثار باب و بهاء تألیف نموده است چگونگی و علل بازنویسی آثار مزبور را به صورت مشروح و مستدل بیان داشته است.
۶. مرحوم محیط از اواخر سال ۱۳۵۲ اقدام به تألیف سلسله مقالات کتاب‌شناسی آثار بهائیان نمود که تا اوایل سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. وی در یکی از آخرین مقالات این سلسله که در نشریه گوهر منتشر می‌شد با اندکی تغییر موضع نسبت به موضوع جابجایی توبه‌نامه و سرقت آن این‌گونه نوشت: «این مدرک در ضمن مجموعه اسناد دولتی تا صدر مشروطه محفوظ بود و پس از استقرار مشروطه از دربار به کتابخانه مجلس شورای ملی انتقال یافت و تا سی و اندی سال قبل، توبه‌نامه را در تالار مطالعه کتابخانه سابق مجلس بر دیواری آویخته می‌دیدیم و هم‌اکنون عین ورقه درون صندوق امانات مجلس شورا در بانک ملی نگهداری می‌شود.» که البته هرگز توبه‌نامه در بانک ملی نگهداری نشده است. (چند نکته درباره یک مقاله: «عظیم پس از باب و پیش از ازل». گوهر سال ششم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۷، مسلسل ۶۳، ص ۱۷۸-۱۸۳).
۷. نقد کتاب «وایسین جنبش قرون وسطایی در دوران فتودال» تألیف محمدرضا فشاهی، توسط ابوذر ورداسبی، نامه انجمن کتابداران ایران، دوره دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۵۶.
۸. ارباب کیخسرو شاهرخ که سالها نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی و رئیس اداره مباشرت بود از جمله رهبران زرتشتی بود که هم‌کیشان خود را از آیین بهایی بر حذر می‌داشت و به این دلیل مورد نفرت عباس افندی پسر بهاء‌الله بود. (نگاه کنید به فلسفه نیکو، تألیف حسن نیکو، تهران، فراهانی، ج ۲، ص ۱۸۳).
۹. بهائیان، سید محمدباقر نجفی، تهران: طهوری، ۱۳۵۷، ص ۲۴۴.
۱۰. بهائیت به روایت تاریخ. بهرام افراسیابی، تهران: نشر پرستش، ۱۳۶۶، ص ۶۳ در ویرایش نخست این کتاب زیرنویس تصویر توبه‌نامه چنین است: «این سند است که تا سال ۱۳۱۵ در کتابخانه مجلس درون قابی آویزان بوده ولی از آن به بعد ناپدید گشته است.» اما در چاپ بعدی آقای افراسیابی عین یادداشت استاد حائری به ایشان را در صفحه نخست کتاب کلیشه کردند تا جبران اشتباه در اطلاع‌رسانی قبلی شده باشد.